



کشور، استاد سابق دانشگاه صنعتی شریف، رئیس پیشین انجمن ریاضی ایران و رئیس پیشین گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی اعضای جامعه ریاضی کشور را در بهت و اندوه فرو برد.

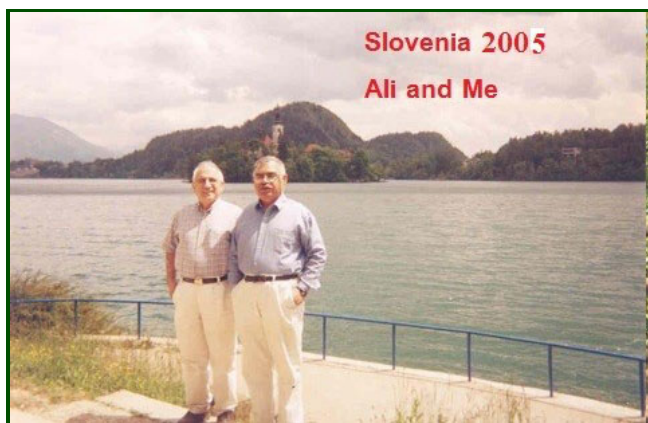
انجمن ریاضی ایران به پاس خدمات بی‌شائبه ایشان به پیشرفت علم و فرهنگ ریاضی در ایران خود را صاحب عزا می‌داند و مراتب تسلیت خود را نثار بازماندگان ایشان و جامعه ریاضی ایران می‌نماید. از خداوند متعال برای روح ایشان طلب آرامش، برای بازماندگان ایشان طلب قدرت تحمل فقدان عزیز از دست رفته، و برای جامعه ریاضی ایران طلب توان بیشتر برای پرورش جعفریان‌های دیگر، می‌نماییم. یاد و خاطرش گرامی باد.

پیام تسلیت انجمن ریاضی ایران به مناسبت درگذشت دکتر علی اکبر جعفریان



خبر ناگوار درگذشت دکتر علی اکبر جعفریان از ریاضیدانان نامی

از وطن در ایالت کانکتیکت برای خودش درست کرده بود: چهره‌ای فرهنگی و اجتماعی شناخته شده و تأثیرگذار در میان ایرانیان شرق آمریکا که توانسته بود باعث همبستگی ملی و گسترش و استمرار هویت ایرانی در آنها شود. اثبات این ادعا، در پیام‌های تسلیتی که از اساتید مقیم آمریکا به دست من رسیده کاملاً مشهود است.



دوستی من با علی از سال ۱۳۴۲ شروع شد که او از شاهرود و من از کرمان در رشته ریاضی دانشگاه تهران قبول شدیم. از همان اوان دوستی، صرف نظر از جدیت و پشتکار در ریاضیات، خصوصیات غیر ریاضی جالبی از او نظر من را جلب کرد. علاوه بر دوستی و صفای باطنش که همه آشنایان به آن اذعان دارند، رفتار عرفانی، فرهنگی و مذهبی او بود. دکتر جعفریان و دکتر ابوالقاسم میامی و دکتر هادی خرقانی و من پس از فراغت از دانشگاه تهران بدون کنکور و با انتخاب دکتر منوچهر وصال، معاون آموزشی پاک و مقتدر

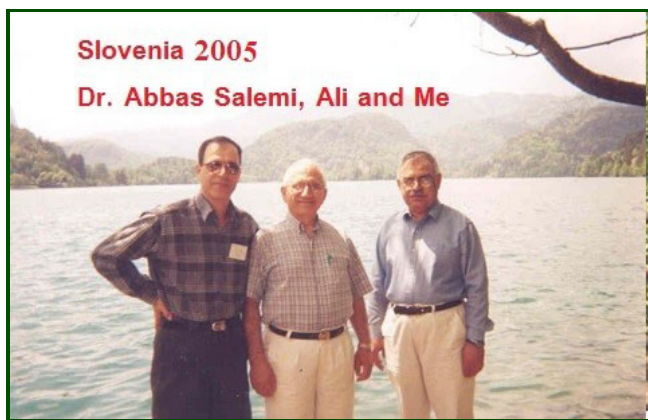
در غم دوست دیرینه‌ام، علی اکبر جعفریان

(به همراه مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و پیام‌های دوستان)

مهدی رجبعلی پور

تا قبل از شرکت در مراسم خاکسپاری دوست عزیز چندین ساله‌ام، با خود فکر می‌کردم علی دو چهره متمایز دارد، در دو محیط متفاوت: یکی همسری مهربان برای فائزه و پدری دلسوز برای رکسانا و بزرگی از خانواده جعفریان‌ها و عرب اسماعیلی‌ها؛ چهره دیگرش، پژوهشگر و مدرسی جدی، دوستی صمیمی و همکاری پرنرژی برای بسیاری از ما که از سال‌های ۱۳۴۲ به بعد با او محشور بوده‌ایم و خود را مدیون تلاش‌ها و یاری‌های او می‌دانیم. تصادفاً (متأسفانه) عده بسیار کمی از این دو گروه موفق به وداع با او در هنگام خاکسپاری شدند. از دوستان سابق ایرانی نیز فقط دکتر بیژن ظهوری زنگنه و اینجانب و دخترم از سیاتل و تورنتو حضور یافتیم. دکتر ظهوری زنگنه و اینجانب نمایندگان جامعه ریاضی ایران بودیم که خوشبختانه مورد تأیید و تشویق پیشکسوتان قرار گرفتیم. با وجود همه مشکلاتی که بر سر راه خویشان و دوستان بود و درگذشت ناگهانی علی هم مزید بر علت شده بود، در تالار گردهمایی، در مسیر مزار و بالاخره سر مزار جمع کثیری حضور یافتند که من از میان آنها فقط با نام دکتر عباس امانت آشنائی قبلی داشتم و چهره‌اش را در یک سخنرانی دیده بودم. این صحنه وداع و سخنرانی‌های قبل از حرکت به مزار، مرا از اشتباه بیرون آورد و متوجه چهره سومی از علی کرد که در سه دهه دوری

یک روز هم در بحبوحه بمباران‌های تهران، از علی شنیدم که قصد دارد ایران را ترک کند. من و خانم کاملاً آگاه بودیم که مسائل علی و خانواده‌اش ریشه پزشکی داشت و هیچ رگه سیاسی در آن موجود نبود. لذا با او همدلی می‌کردیم. یک بار که شدیداً دغدغه مالی سفر را داشت من به او گفتم تو الان استحقاق رفتن به فرصت مطالعاتی را داری، پس با این برنامه برو که تا حدودی دغدغه مالی‌ات کمتر شود. با صراحت گفت من قصد بازگشت ندارم و لذا پولی را که در این سفر از دولت می‌گیرم حرام است. من از پیشنهاد شرمنده شدم و فرق بین اختلاص و اختلاس را فهمیدم. بعد از یک یا دو سال توانست شغل ثابتی در دانشگاه نیوهیون پیدا کند که همین اواخر از آنجا بازنشسته شد. وی در این مدت، معاشرت‌ش را با افراد مذهبی‌ای که از قبل با آن‌ها در ایران خو گرفته بود، قطع نکرد و دوست داشت جامعه ایرانیان مهاجر عشق به وطن را همراه با یک لطافت مذهبی فراموش نکنند. خانه‌اش پایگاهی برای ملاقات همفکرانش بود اما هیچ فلسفه خاصی را تبعیت نمی‌کرد و به همه آنانی که در قسمتی از آرمان‌های میهنی - مذهبی اشتراک داشتند احترام می‌گذاشت گرچه سفره‌اش همچون همشهری پیش کسوتش بایزید بسطامی برای همه گسترده بود: کمال عارف سوختن او باشد در دوستی حق!



بیماری ناگهانی خونی، آرامش علی و خانواده را یک بار دیگر پس از ضایعه تصادف پسر بیست و یک‌ساله‌اش به هم ریخت. حدود چهار سال پیش که از خویشان و دوستانش در ایران دیدن می‌کرد، ناگهان متوجه نوعی بی‌حالی و پس از آزمایش، نوعی بی‌نظمی خونی در وجود خود شد. مجبور شد سفر خود را قطع و به آمریکا برگردد. گرچه پزشکان بیماری او را سرطان خون تشخیص ندادند ولی پیوند مغز استخوان و شیمی درمانی‌ها تداعی آن بود. حال مزاجی وی تحت کنترل درآمد و پس از درمان، دو سه بار به ایران و کانادا مسافرت کرد. همین یکی دو ماه پیش از خاطرات شیرین آخرین سفرش در ملاقات دوستان مشترکمان در ایران برایم تعریف می‌کرد (عیادت سید فخرالدین آیت‌الله زاده شیرازی به همراهی دکتر هادی خرقانی

دانشگاه پهلوی شیراز، وارد دوره فوق لیسانس ریاضی آن دانشگاه شدیم. تیرماه ۱۳۴۷ همه مریدان دانشگاه پهلوی (از آن جمله [دکتر] غلامعلی حداد عادل) و عده دیگری از مریدان سایر دانشگاه‌ها (از آن جمله [دکتر] عبدالله جاسبی و شهید علی باکری) همراه با تعدادی از فارغ‌التحصیلان پزشکی خارج از کشور به خدمت سربازی رفتیم. سیزده هفته را در یادگان فرح آباد افسریه تهران گذراندیم و بیست و یک ماه بقیه را به تدریس در دانشگاه خود ادامه دادیم. در شهریور ۱۳۴۹ من و علی با بورس تحصیلی دانشگاه تورنتو به تحصیل در دوره دکتری ریاضی مشغول شدیم. البته اول علی و بعد من در همان ایران ازدواج کرده بودیم و ۴ نفره تمام این مدت را با هم بودیم. سال اول، ما تنها دانشجویان ایرانی دانشگاه تورنتو بودیم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۱ با رونق یافتن وضع اقتصادی ایران بعد از سیاست‌های نفتی جدید اوپک، سیل بورسیه‌های بنیاد پهلوی و سایر مهاجران به سوی کانادا جاری گردید. در این سال که همسر علی و همسر مرحوم من از دانشگاه واترلو پذیرش گرفته بودند و من و علی رساله دکتری‌مان رو به پایان بود، برای رفاه همسرانمان به واترلو کوچ کردیم. دو سال قبل را که در تورنتو بودیم در انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان آنجا فعالیت داشتیم و در اولین انتخابات انجمن، ریاست و خزانه‌داری به عهده ما دو نفر گذاشته شد. علی از تابستان ۱۳۵۲ به استخدام دانشگاه آریامهر (سابق) درآمد و من نیز در سال ۱۳۵۵ به او پیوستم. البته استخدام اصلی من با دانشگاه رضاشاه در مازندران بود ولی چون در حال ساختن دانشگاه بودیم، دو سال قبل از انقلاب را با علی همکاری می‌کردم، هم در دانشگاه و هم در امور انجمن ریاضی ایران. پس از ورود من به ایران، علی رئیس انجمن شد و تا سال ۱۳۵۹ در این سمت بود. این همکاری موجب شد که چهره من به جامعه ریاضی معرفی شود و پس از پایان یافتن دوره او، طوق ریاست انجمن به گردن من بیفتد. علی در میان دانشگاهیان به مذهبی بودن شهرت داشت و لذا در مرکز نشر دانشگاهی به ریاست بخش ریاضی منصوب شد. وی با نفوذ معنوی خود از اساتیدی که به نحوی مورد ظلم و بدبینی قرار می‌گرفتند پشتیبانی می‌کرد و جامعه ریاضی‌دانان ایران همواره خود را مدیون او می‌داند. استاد دکتر منوچهر وصال (رحمة‌الله علیه) یکی از اینان بود که ناآگاهان قدرش را نمی‌دانستند و حقوق وی را قطع کرده بودند. علی نه تنها مشکل حقوقی وی را برطرف کرد بلکه ایشان را به ویرایش کتاب‌های ریاضی در مرکز نشر دانشگاهی ستاد انقلاب فرهنگی هم دعوت کرد. در بخش پیام‌های استادان، توجه خواننده را به نکات ظریف مطرح شده در پیام استاد دکتر مهدی بهزاد جلب می‌کنم و بدون شرح درمی‌گذرم.

و دکتر بیژن زنگنه).

کنم عذرخواهی می‌کنم. پایان‌بخش این یادنامه و به رسم مجالس پرسه کرمانی، حسن ختام آن، پیام تسلیتی است به زبان انگلیسی از استادمان حیدر رجوی و دستخطی فارسی از وی.

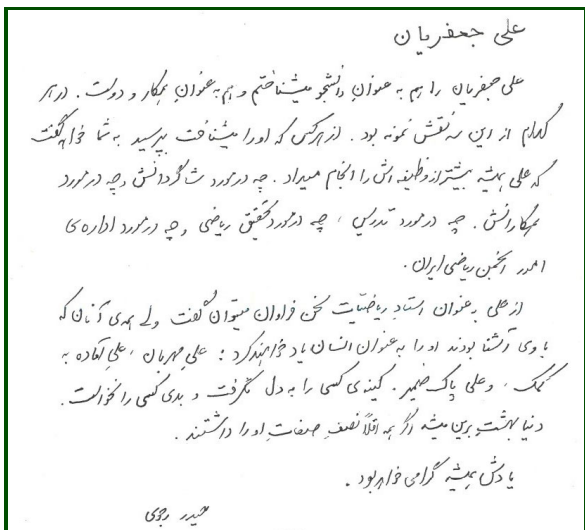
"I knew Ali Jafarian first as a student, and then as a colleague and as a friend. In each of these roles he was a model. He always did more than was required of him, both in dealing with his students, and in administrative capacities concerning his work place or the Iranian Mathematical Society.

A lot can be said about Ali as a mathematician and mathematics professor, but everybody who knew him, will remember Ali for his humanity, his kindness, his constant availability for help, and his inability to wish anybody ill. The world would be paradise if everyone were half as good.

His memory will live long. Heydar Radjavi"



ما خیلی خوشحال بودیم که همه چیز روبه‌راه شده است. مدت کوتاهی قبل از فوت خود، ناگهان به من خبر داد که دکترها عوارض مشکوکی در خونش پیدا کرده‌اند. متأسفانه ناگهان حالش به وخامت گرائید و در تماسی با دخترش باخیر شدیم که در بیمارستان به حالت کما رفته است. عصر روز ۲۳ ژوئیه دخترش رکسانا خبر ناگوار درگذشت پدر عزیز خود و دوست فراموش نشدنی من را از طریق دخترم به اطلاع رساند. مصیبت وارده را علاوه بر دوستان و همکاران، به دوست همچون خواهرم فائزه خانم همسر آن شادروان و نورچشم همکاران عزیز و همسرش پنال تسلیت گفته و جایش را واقعا خالی می‌بینم. تعداد معدودی از پیام‌های تسلیتی را که به دست من رسیده است در اینجا می‌آورم. به علاوه اسامی همه عزیزانی که پیام تسلیت ارسال کردند، در آرشیو انجمن ریاضی ایران ثبت شده است. پیشاپیش از این‌که به خاطر انتشار این نوشته در خبرنامه انجمن ریاضی با محدودیت روبرو بودم و نتوانستم متن ارسالی آنها را منتشر



از راست: دکتر طاهر قاسمی هنری، دکتر سیامک یاسمی، دکتر علیرضا مدقالچی، دکتر رحیم زارع نهندی، دکتر مهدی رجبعلی‌پور، دکتر علی‌اکبر جعفریان، دکتر مگردیج تومانیان، دکتر محمدعلی دهقان، دکتر ایمان افتخاری، دکتر نسرین سلطانه‌خواه

پیام تسلیت آقای دکتر بهزاد به مناسبت درگذشت زنده‌یاد دکتر علی اکبر جعفریان

افسوس و صد افسوس که دکتر علی اکبر جعفریان از میان ما رخت بر بسته است تا به پنجاهمین کنفرانس ریاضی کشور هم خدمت کند و شاهد شکوفایی نیم قرن تلاش پیگیر خود، استادان، همکاران و شاگردانش باشد و لذت ببرد. خوب به یاد دارم که علی اکبر و آقایان: فخرالدین آیت‌اللهزاده شیرازی، هادی خرقانی، مهدی رجبعلی‌پور، عبداله محمودیان و ابوالقاسم میامی را برای نخستین بار در تابستان سال ۱۳۴۵ ملاقات کردم که به شیراز آمده بودند تا در مسابقهٔ ورودی دورهٔ کارشناسی ارشد ریاضی که تازه تأسیس شده و شفاهی بود

شرکت کنند. اگر اشتباه نکنم این بزرگواران دو درس نظریه گروه‌ها و گراف‌ها را با من گذراندند و همگی بجز فخرالدین که نامی با مسمّا دارد و برخلاف معمول به عناوین و ظواهر زندگی کوچکترین توجهی ندارد، درجهٔ دکتری گرفتند، به ایران بازگشتند و مصدر خدمات زیادی شدند. علی اکبر مدتی رئیس انجمن ریاضی ایران بود و هنگام مدیریتش در گروه ریاضی، آمار و کامپیوتر مرکز نشر دانشگاهی مرا هم به همکاری دعوت کرد. دعوتی شجاعانه و بسیار به‌موقع.

برای سلامتی و طول عمر فخرالدین و آمرزش علی اکبر و نیز شادکامی و ابستگان هر دو نازنین، به‌ویژه استاد جلالی، نماینده دائم کشور عزیزمان ایران در یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد) دعا می‌کنم. شنبه پنجم مردادماه سال ۱۳۹۸

یادی از دکتر علی اکبر جعفریان

محمد قاسم وحیدی اصل

خبر درگذشت تأسف بار دکتر علی اکبر جعفریان را شنیدم و من هم مانند همهٔ کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند، بسیار متأثر و اندوهگین شدم. در عین حال خود را موظف دانستم که ادای دینی کرده و یکی از بزرگترین خدمات او را به عالم علم و فرهنگ کشور، که شاید بیش از همه در این خصوص آگاهی داشته باشم، بازگو کنم. اندک زمانی از تعطیلی دانشگاه‌ها به مناسبت انقلاب فرهنگی سال ۱۳۵۹ نگذشته بود که برای اشتغال اکثریت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، ابتدا «کمیتهٔ تألیف و ترجمه» راه اندازی و متعاقباً «مرکز نشر دانشگاهی»، متشکل از گروه‌هایی دربرگیرندهٔ بسیاری از رشته‌های دانشگاهی، تأسیس شد. یکی از این گروه‌ها «گروه ریاضی، آمار و کامپیوتر» بود. من به عنوان نمایندهٔ دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی کنونی)، که در آن زمان در آن‌جا به عنوان عضو هیئت علمی به کار اشتغال داشتیم، در جلسات این گروه که هر از چند گاهی به عنوان شورای گروه برای تصمیم‌گیری دربارهٔ کتاب‌های تألیف و ترجمه تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردم. قریب به اتفاق این کتاب‌ها، محصول کار موظف اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بودند. مدیر گروه دکتر علی اکبر جعفریان بود که عضو «شورای عالی» مرکز نشر هم بودند. در یکی از همان جلسات اولیه، دکتر جعفریان از زیادی کار و دست تنها بودن گل‌هایی کرد. من که به کار نشر خیلی علاقه‌مند بودم، پس از پایان جلسه آمادگی خود را برای کمک به ایشان اعلام کردم. با روی گشاده از این پیشنهاد استقبال کرد. این بود که برای

خدمت در گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی، از دانشگاه برای دو روز در هفته مأموریت گرفتم و به پیشنهاد ایشان به عنوان معاون گروه مشغول به کار شدم که با رفتن ایشان به فرصت مطالعاتی به مدیریت گروه تبدیل شد.

وقتی من وارد گروه شدم، زمان چندانی از شروع به کار مرکز نشر دانشگاهی نگذشته بود، اما از روی نوع فعالیت‌های دکتر جعفریان در مدت حضورم در کنار ایشان، پی بردم که ایشان با هنر زایدالوصفی این گروه را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کرده بود که گویی سال‌ها از شروع به کار آن می‌گذشت.

در مرکز نشر، یک طرف ماجرا، بیشتر استادان از کار عاطل شدهٔ دانشگاه‌های مختلف کشور بودند که برای گرفتن حقوق، موظف به تألیف و ترجمهٔ کتاب بودند؛ و طرف مقابل، اغلب استادان پیش‌کسوت دانشگاه بودند که خود دستی در تألیف و ترجمه داشتند و کار ویرایش کتاب‌ها را به عهده داشتند. استادان معروفی مانند دکتر منوچهر وصال، دکتر محمد هادی شفیعیه و کمی بعدتر، دکتر علی عمیدی و دکتر مهدی بهزاد وزنی به این گروه می‌دادند. در کنار این‌ها البته جوانترهایی هم بودند که یا سابقهٔ ویراستاری داشتند یا مستعد این کار بودند. امثال آقایان سیامک کاظمی، شادروان حمید کاظمی، مسعود خلخالی و فرخ وطن (که این دو نفر برای ادامهٔ تحصیل بعدها به خارج رفتند)، در کار ویرایش کتاب‌ها نقش‌آفرینی می‌کردند. ویراستاران «دورکاری» هم بودند که کتاب‌ها را در خارج از مرکز نشر ویرایش می‌کردند. البته در کنار این‌ها تعداد نسبتاً قابل‌اعتنایی از نمونه‌خوان‌ها هم بودند که کتاب‌های حروف‌چینی شده را با دقت می‌خواندند و اغلاط چاپی را تصحیح می‌کردند.

کوشش‌های آغازین دکتر جعفریان به چاپ شدن تعداد کثیری از بهترین کتاب‌های ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر آن دوره و تربیت شدن تعداد زیادی مترجم و ویراستار خوب، بر اثر ارتباط بین ویراستاران کارگشته و مترجمان علاقه‌مند انجامید.

یکی دیگر از خدمات ارزشمند دکتر جعفریان، نقش ایشان در تدوین و تنقیح «واژه‌نامه ریاضی، آمار، و کامپیوتر» بود که بدو توسط گروهی از استادان به مدیریت انجمن ریاضی ایران تهیه شده بود. این واژه‌نامه در جلسات طولانی ابتدا در گروه واژه‌نامه‌ای که مرکب از ویراستاران گروه ریاضی بود و بعداً در کمیته مشترکی با حضور جمعی از ویراستاران گروه و نمایندگان از انجمن ریاضی ایران ویراسته و به عنوان کار مشترک انجمن ریاضی ایران و مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد، که هنوز مرجع اصلی واژه‌های ریاضی پرکاربرد است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

گردآوردن همه این افراد شاخص، هنر دکتر جعفریان بود و آنچه بیشتر نظر مرا جلب می‌کرد، سلوک بی‌نظیر ایشان در ایجاد پیوندی منطقی بین ویراستار و مترجم یا مؤلف بود (البته تعداد کتاب‌های تألیفی اندک بود و قابل صرف‌نظر کردن). در آن زمان ویرایش، امری نوپا در حوزه ریاضی و بلکه در کل کشور بود و گاهی برخی از مترجمان که خود نام و نشانی داشتند (و بعضاً جوانترها)، اصلاحات و ویراستاران در کتاب‌هایشان را برنمی‌تابیدند و ویراستاران را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دادند. دکتر جعفریان اما برای هموار کردن مسیر همکاری، چنین افرادی را از پیر یا جوان، به دفتر خود فرامی‌خواندند و با ادب و احترام و تواضع، ماهیت کار را توضیح می‌دادند و مترجمان این‌گونه را نهایتاً تبدیل به افرادی می‌کردند که قدر ویرایش را بدانند و زیبا شدن کار خود را مرهون زحمات و ویراستاران بدانند.

پیام تسلیت دکتر زهرا گویا و دکتر بیژن ظهوری زنگنه

بازگشت همه به سوی اوست.

ما ز بالااییم و بالا می‌رویم، ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
ما از آن جا و از این جا نیستیم، ما ز بی‌جاییم و بی‌جا می‌رویم
کشتی نوحیم در طوفان روح، لاجرم بی‌دست و بی‌پای می‌رویم
خوانده‌ای انا الیه راجعون، تا بدانی که کجاها می‌رویم.

برایمان سخت بود که چنین خبری را به جامعه ریاضی ایران بدهیم. ولی «غیر تسلیم و رضا، کو چاره‌ای؟» از حضرت حافظ مدد گرفتیم و تفأل زدیم. از این ظریف‌تر مگر می‌شود؟! ای آن که ره به مشرب مقصود برده‌ای، زین بحر، قطره‌ای به من خاکسار بخش. با کمال تأسف و تأثر، به اطلاع جامعه ریاضی ایران می‌رسانیم: آقای دکتر علی اکبر جعفریان، استاد ریاضی دانشگاه صنعتی شریف و بعد، استاد ریاضی دانشگاه نیوهیون در امریکا، پس از دو هفته که در کما بود، در بیمارستان وابسته به دانشگاه ییل، به ملکوت اعلا پیوست. دکتر جعفریان مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه تهران گرفت. سپس با تاسیس دوره کارشناسی ارشد ریاضی در دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) همراه با آقای دکتر مهدی رجبعلی‌پور، آقای دکتر عبدالله محمودیان، دکتر ابوالقاسم میامی و آقای دکتر هادی خرقانی، در آن دوره پذیرفته و از همان جا، فارغ‌التحصیل شدند. دکتر جعفریان پس از فراغت از تحصیل به عنوان مربی، در

همان دانشگاه (دانشگاه شیراز)، مشغول به تدریس شد. بعد از چند سال، دکتر جعفریان با دکتر مهدی رجبعلی‌پور، همکلاس و دوست دیرین خود، دوره دکتری را در دانشگاه تورنتو کانادا طی کردند. استاد راهنمای دکتر جعفریان، پروفیسور پیتر رزنتال بود. وی پس از دریافت مدرک دکتری ریاضی خود، در سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۶۷، استاد دانشگاه صنعتی شریف در ایران بود. وی به همراه دکتر مهدی رجبعلی‌پور، مکتب «عملگرهای خطی کراندار» را در آنالیز تابعی در ایران پایه‌گذاری کرد که ده‌ها و ده‌ها نفر در این مکتب تحقیق کردند و فارغ‌التحصیل شدند. طی مدتی که دکتر جعفریان در ایران بود، خدمات بسیار زیادی به جامعه ریاضی نمود. از جمله کارهای تأثیرگذار ایشان خدماتی بود که با حداقل امکانات در انجمن ریاضی ایران انجام داد (به عنوان رئیس انجمن) و رئیس بخش ریاضی مرکز نشر دانشگاهی، مترجم مستقل و مشترک کتاب‌های مرجع ریاضی، تألیف مقاله‌های ترویجی برای توسعه ریاضی در جامعه، تحقیقات ارزنده و با کیفیت و چاپ آنها در مجلات وزین بین‌المللی، مشارکت در برگزاری کنفرانس‌های سالانه ریاضی و معلمی اثربخش که شیرینی معلمی‌شان همچنان در ذائقه شاگردانشان باقی است.

اینها فقط اشاره مختصری به کارهای رسمی شادروان جعفریان است. وجه مهم‌تر و ماندگار دکتر جعفریان، شکیبایی و آرامش و شاکر بودنش با وجود سختی‌های بسیاری که کشید. به ویژه از دست دادن ناباورانه فرید ۲۱ ساله. همچنین، انسانیت مثال‌زدنی و خوش‌سلوکی و اخلاق‌مداری و مهمان‌نوازی از سایر ویژگی‌های

ریاضی‌دان‌ها و متخصصان ایرانی مقیم امریکا و کانادا در مورد پرداخت بخشی از حق عضویت‌های انجمن از طریق جلب هدیه‌های آن‌ها مذاکره کردند، با چند وکیل مجرب مشورت نمودند و چند بار با اتحادیه (IMU) مستقیم مکاتبه کردند تا این کار (پرداخت حق عضویت) انجام شود که متأسفانه اجل مهلت نداد تا نتیجه زحماتش را ببینند. شادروان دکتر علی اکبر جعفریان، به عنوان بخشی از حافظه و وجدان تاریخی جامعه ریاضی ایران، جاودانه خواهد شد. یاد و خاطره بزرگ‌منشی‌ها، مهربانی‌ها و تواضع و محبت‌هایش، همیشه با ما خواهد بود.

هر گز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

ایشان بود. خانه دکتر جعفریان در خارج از ایران، مأمن دانشجویان و همکارانی بود که برای اشتغال به تحصیل و کار، نیازمند حمایت بودند. شاگردپروری، مردم‌داری و روی باز خودشان و خانواده گرامی‌شان، زندگی در غربت را برای بسیاری قابل تحمل کرد تا کارشان را به ثمر برسانند. اینها تنها بخشی از میراث آموزشی و الگویی دکتر جعفریان است که برایمان به یادگار می‌ماند. یکی دیگر از کارهای انسانی و تأثیرگذار ایشان که یادآوریش می‌تواند برای همه آموزنده باشد، تلاشی بود که سال گذشته از جانب ایشان صورت گرفت: وقتی سال گذشته با دکتر جعفریان در مورد حق عضویت‌های عقب افتاده انجمن ریاضی ایران و خطر از دست رفتن موقعیت انجمن در اتحادیه بین‌المللی ریاضی‌دان‌ها صحبت کردیم، ایشان با تعداد بسیاری از

پیام و گفت‌وگوی دکتر

سید عبدالله محمودیان

(پیام صوتی دکتر محمودیان به علت گریه و تأثر فراوان مفهوم نشد و این گفتگو را از سایت دانشگاه صنعتی شریف گرفتیم):

من و دکتر جعفریان اولین بار در سال ۱۳۴۵ در دوره کارشناسی ارشد ریاضی دانشگاه شیراز با هم آشنا شدیم. ما در آن دوره با هم همکلاسی، همخانه و سپس همکار و دوست و رفیق بودیم. در دانشگاه [شریف] هم «ریاضیات عمومی» را در گروه‌های مختلف تدریس می‌کردیم. دوستی و ارتباط ما تا درگذشت ایشان ادامه داشت. دکتر جعفریان متأسفانه پس از یک دوره بیماری سخت خونی در کشور آمریکا دارفانی را وداع گفت. وی پس از گذراندن دوره فوق لیسانس خود از شهریور ۱۳۴۹ تا خرداد ۱۳۵۲ با بورس تحصیلی از دانشگاه تورنتو مقطع دکتری را گذراند و پس از فراغت به ایران بازگشت و در سمت‌های استادیاری، دانشیاری و استادی دانشگاه صنعتی شریف به تدریس و تحقیق پرداخت. وی در همان سال‌ها با عنوان رئیس انجمن ریاضی ایران و رئیس گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی هم به خدمات فرهنگی و اجتماعی خود ادامه داد.

ایشان به همراه دکتر رجعی پور همکلاسی و دوست مشترکمان یکی از بنیانگذاران مکتب آنالیز تابعی در ایران بودند. دکتر جعفریان در طول حیات پر بار خود شاگردان بسیار خوبی را تربیت نموده و لحظه‌ای از تعلیم و فراگیری علم و دانش باز نایستاد. ایشان در یک کلمه

عاشق ریاضیات بودند و این عشق را به دانشجویان و حضاری که در سخنرانی‌های پر حرارت و پر شورشان حضور داشتند، منتقل می‌کردند. وی همواره مخالف انتشار مقالات بی‌محتوا و غیراخلاقی آکادمیک بود. ایشان در اوایل سال ۱۳۸۰ در سفرشان به ایران در میزگردی که دکتر بهزاد (از رؤسای سابق و از بنیانگذاران انجمن ریاضی ایران) و بنده نیز حضور داشتیم، بر این موضوع بسیار تأکید داشت و نتیجه این میزگرد در خبرنامه انجمن ریاضی نیز درج شده است.

دکتر جعفریان در انتشار ریاضیات به زبان فارسی بسیار فعال بود و در این زمینه از ریاضیات عمومی تا مراحل بالاتر ریاضیات، انتشارات متعددی داشت. مخصوصاً در به وجود آوردن پروژه پراهمیت واژه‌نامه ریاضیات سهم بسیار بالایی داشته و نقش مهمی ایفا کرد. این واژه‌نامه، ریاضیات را سامان بخشید و هنوز هم پس از سال‌ها چاپ آن ادامه دارد. وی نسبت به مسائل اجتماعی هم بی‌تفاوت نبود و همواره در این زمینه فعالیت داشت، کاملاً یادم هست در دفاع از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب اعلامیه‌هایی از طرف دانشگاهیان چاپ می‌شد که اسم ایشان هم در این اعلامیه‌ها بود. بعد از انقلاب هم در سال‌های آخر عمر خود به شدت مخالف تحریم‌ها و تهدیدهای آمریکا بر علیه جامعه ایران بود. دکتر جعفریان زمانی که ریاست انجمن ریاضی ایران را بر عهده داشت سعی می‌کرد فعالیت‌های علمی ایران ادامه داشته باشد و با کنفرانس‌های بسیار پر بار ریاضی به فعالیت‌های خود در این زمینه ادامه می‌داد. امیدوارم با این چند جمله مختصر توانسته باشم بخشی از تأثیرات خدمات مهم ایشان در جامعه علمی ایران را بیان کنم. روحشان شاد و راهشان پر دوام.